

## تعدد بزه

### Cumul D' infractions .

مطلب بیان میشود :

الف - ممکن است يك بزه شامل چندین عمل باشد مثل اینکه بزهار در يك موقع اثابیه از اطاق و مقداری گندم از انبار دزدی کند. در این مورد با این که چند عمل انجام گرفته معینا بیش از يك بزه وقوع نیافته است زیرا بزهار قصد ارتکاب يك بزه ( دزدی ) را داشته است .

ب - همچنین تعدد بزه صورت نمی گیرد در صورتی که بزهار بزهی مرتکب شده که دارای کیفیات مشخصه بوده و این کیفیات بخودی خود بزه باشند. مثلا شکستن حرز برای دزدی - در این مورد بزه متعدد واقع نشده بلکه این عمل بمنظور تسهیل دزدی از طرف سارق انجام شده و سارق در ارتکاب آن جز دزدی قصد دیگری نداشته است .

۲ - لازم است بزهار بموجب دادنامه قطعی قبلا محکوم نشده باشد و الا موضوع مشمول مقررات راجع بتکرار جرم می گردد

در هر دو حال ( چه در تعدد و چه در تکرار بزه ) يك نفر دو یا چند بزه را مرتکب شده است ولی تکرار بزه در صورتی محقق می گردد که دادنامه محکومیت قطعی و غیر قابل تغییر پیش از ارتکاب بزه دوم برای بزه اول صادر شده باشد در صورتی که تعدد بزه وقتی صورت می گیرد که بزه اول تعقیب نشده و یا دادنامه قطعی برای آن هنگام ارتکاب بزه دوم صادر نشده باشد. مثلا بزهار موقمی که دادنامه محکومیت از طرف

وقتی تعدد بزه تحقق پیدا می کند که شخصی مرتکب چندین بزه گردیده پیش از اینکه نسبت بهر يك از آنها بموجب دادنامه قطعی محکوم شده باشد. این بزه ها ممکن است توأماً مورد تعقیب قرار گرفته و دفعه در دادگاه طرح و با این که هر يك جداگانه تعقیب و بدفعات مورد رسیدگی واقع شده باشد. بهر حال دو شرط لازم است تا تعدد بزه محقق گردد :

۱ - باید شخص واجد بیش از يك بزه مرتکب شود برای تشخیص اینکه شخص يك یا چند بزه مرتکب شده می توان موضوع را از دو نظر مورد مطالعه قرار داد از نظر آثار خارجی کیفر « Objectif » و از نظر قصد ارتکاب « Subjectif » از نظر اول بزه عملی است که غالباً در نتیجه آن نیثی در خارج تغییر وضع پیدا می کند در صورتی که يك عمل بیشتر وجود نداشته باشد يك بزه بیشتر . ورت نمی گیرد هر چند آثار عمل در خارج متعدد باشند. و نیز چندین عمل ممکن است از ناحیه شخصی انجام یابد در صورتی که مجموع آنها تشکیل يك بزه بیشتر ندهند و این قسمت مخصوصاً در مورد جرم مستمر « Délit Continu » و جرم عادی « Délit d' habitude » ظاهر می شود. در این دو نوع بزه قانون ادامه عمل و یا تکرار آن را یکی از عناصر بزه شمرده است .

از نظر دوم ممکن است اجتماع چندین عمل بزه واحد تشکیل دهند بعلمت این که بزهار قصد ارتکاب يك بزه بیشتر نداشته است دو مثال زیر برای توضیح این

در مثال اول يك عمل بیشتر صورت نگرفته که دارای چند عنوان کیفری است ولی در مثال دوم چند عمل وقوع یافته لیکن در هر دو مثال يك بزه بیشتر واقع نشده است.

تعدد ظاهری بزه بهجوقت موجب تعیین چندین کیفر نمی شود ولی در تعیین مقدار کیفر بی اثر نیست و کیفری که تعیین می شود همیشه شدید تر از کیفر بزه ساده میباشد.

در صورت تعدد ظاهری بزه هر گاه تعقیب جزائی منتهی بصدور دادنامه قطعی شده باشد آیا میتوان دوباره موضوع را تحت عنوان دیگر همان عمل مورد تعقیب قرار داد؟ در این مورد دو نظر است:

۱ - اینکه موقعی که تصمیم قطعی از طرف دادگاه در مورد بزه گرفته شد دیگر هیچگونه تعقیبی برای همان عمل تحت هیچ عنوانی امکان پذیر نیست زیرا پس از صدور دادنامه قطعی مطابق اصول کلی دیگر نمیتوان دعوی را تجدید کرد.

۲ - هر چند تجدید تعقیب در مورد تعدد ظاهری برخلاف اصل بنظر می آید لیکن می توان مجدداً موضوع را تحت عنوان دیگر که مورد حکم واقع نشده است تعقیب نمود تا در صورت مقصر بودن بزهارک بالنتیجه تعقیب کیفری بمحکومیت او منتهی شود.

ب - موقعی تعدد حقیقی است که دو یا چند عمل واقع شده و هر يك از آنها را قانون کیفر بزه شناخته است اعم از اینکه هر يك از آن اعمال از يك نوع یا انواع مختلفه بزه باشند. در صورت اول يك بزه چند دفعه از طرف بزهارک ارتکاب شده مثل اینکه شاگرد مغازه بدفعات از صندوق مغازه که سپرده اوست پول بردارد و این مورد را نباید یا بزه های مستتر و عادی

داد گاه باو اعلام می گردد بدادرس در حین اجراء وظیفه اهانت مینماید در این مورد تعدد بزه وجود پیدا میکند یکی بزه اولی که بعلمت آن محکوم شده ولی دادنامه نسبت بآن هنوز قطعی نشده است و دیگری بزه دوم که اهانت بدادرس میباشد.

ممکن است شخص مرتکب تعدد و تکرار بزه هر دو گردد بدینطریق که قبلاً بوسیله دادنامه قطعی محکوم شده و بعداً مرتکب چند بزه دیگر گردد. در این حال قواعد تعدد و تکرار بزه از حیث تشدید کیفر هر دو از طرف دادرس باید اعمال گردد.

### انواع تعدد بزه

تعدد بزه ممکن است ظاهری باشد «Cumul idrèa» و یا حقیقی «Cumul réel»

الف - تعدد ظاهری موقعی است که عمل واحد دارای دو یا چند عنوان بزه باشد. در این مورد در واقع تعدد بر حسب ظاهر وجود دارد مثل عمل منافسی عفت بعنف یا تهدید در محل عمومی.

در این عمل يك بزه بیشتر صورت نگرفته ولی دارای دو عنوان است - یکی عمل منافسی عفت بعنف یا تهدید « ماده ۲۰۸ قانون کیفر همگانی » و دیگری عمل منافسی عفت علنی « ماده ۲۱۰ » در این صورت طبق ماده ۳۱ از قانون نامبرده بمرتکب کیفر بزه اشد که کیفر مصرحه در ماده ۲۰۸ است داده خواهد شد - و نیز تعدد ظاهری است در صورتی که عمل ارتکابی مرکب از چندین عمل باشد بطوری که مجموع این اعمال بزه واحد تشکیل دهند مانند شکستن حرز برای دزدی « ماده ۲۲۶ قانون کیفر » و حال آن که اگر عوامل بوجود آورنده این بزه مستقلاً صورت گیرد هر يك بزه علیحده محسوب میشوند.

اشتباه کرد زیرا بزهارک چند عمل جداگانه را هر يك با سوء نیت مرتکب شده است .

در صورت دوم چند طریق ممکن است ظاهر شود

۱ - بزه های ارتكابی بوسیله رابطه علت و معلول

یا از حیث زمان بیکدیگر پیوستگی داشته باشند مثلاً کارمندی بقصد اختلاس مرتکب جعل گردد

۲ - ممکن است بین بزه ها هیچ رابطه وجود

نداشته باشد و این فرض فرض عادی است مثل این که بزهارکی مرتکب يك فقره دزدی - يك کلاهبرداری و يك خیانت در امانت بشود .

در مورد تعدد حقیقی بدیهی است کسی که مرتکب

چندین بزه گردیده تقصیر او از شخصی که مرتکب بزه واحدی شده است بیشتر و برای جامعه خطرناکتر است و ناچار باید بکیفر شدیدتری برسد . ولی این فکر از ابتدا در قوانین مختلفه مورد قبول واقع نشده است .

در مورد تکرار بزه بدیهی است شخصی که يك مرتبه محکوم بکیفر گردیده و مجازات شده در صورتی که دو مرتبه مرتکب بزه گردد چون کيفر اولی در او تأثیری نبخشیده معلوم است که عضو فاسدی برای جامعه میباشد و بایستی برای عمل دوم شدیدتر مجازات شود ولی در تعدد بزه بزهارک هنوز مجازات بزه اول راندریده تا منتهی شده باشد بنابراین این نمی توان گفت که از لحاظ اخلاقی فساد شخصی را که مرتکب تکرار بزه شده داشته باشد لذا در مورد تعدد نمی توان برای هر بزه ارتكابی او را بکیفر رسانید .

برای تعیین کيفر در مورد تعدد بزه سه نظر ممکن

است اعمال شود :

یکی این که برای هر يك از بزه های ارتكابی

کيفر آن را تعیین و تمام کيفر ها را جمع نموده و اجرا کرد . دیگر این که شدیدترین کيفر ها را در پاره

محکوم اعمال و اجرا نمود و قائل شد باین که کيفر اشد شامل کيفر های کوچکتر نیز هست . لیکن این دو طریق هر دو خالی از عیب نیستند اولی زیاد شدید و طریق دوم بزهارک را به کيفر کافی نمیرساند . البته شخصی که مرتکب چندین بزه شده است عدالت بطور مطلق اقتضای کند که برای هر بزه کيفر آن تعیین شود و حال آن که اگر کيفر اشد اجرا شود بزهارک که مرتکب بزه یا گناه بزرگی گشته پس از ارتکاب و پیش از کيفر آن بزه می تواند هر گونه بزه خفیف تر از آن را مرتکب شود زیرا تأثیری در کيفر او دیگر نخواهد داشت ولی از طرفی در بعضی موارد قانون نمی تواند تمام کيفر ها را در پاره محکوم اعمال کند

مثلاً کسی که بکیفر حبس مؤبد محکوم شده دیگر عملاً اجراء حبس موقت در پاره اش غیر مقدور خواهد بود .

اعمال تمام کيفر ها نتایج غیر عادلانه و سختی نیز در پاره محکوم خواهد داشت چنانچه کيفر های غرامت در صورتی که مجموع آن ها حساب شود ممکن است تمام ثروت محکوم را از بین ببرد و کيفر های زندان ممکن است تمام مدت حیات محکوم را اشغال کرده و بالنتیجه تبدیل بکیفر حبس مؤبد گردد البته چنین نتایج وخیمی بر ضرر هیئت اجتماع است

اجراء مجموع کيفر ها از این جهت نیز برخلاف عدالت است که اغلب تعدد بزه در نتیجه بی مبالائی بزهارک پیش می آید و از طرفی مأمورین مربوطه بسهم خود مقصرند که زودتر بزه را کشف و تعقیب نکرده اند زیرا در صورتی که پس از ارتکاب بزه اول بزهارک را تعقیب و به کيفر می رسانیدند ممکن بود بزه کار تنبه حاصل کرده و مرتکب بزه های دیگر نشود .

نظر سوم در تعیین کيفر معایب دو نظر پیش را رفع می کند و تنها نظری است که با عدالت و منافع

در تعیین کیفر اشد اشکالی که پیش می آید این است که کدام کیفر اشد از دیگری است و چه مقیاسی برای این تشخیص باید در نظر گرفت.

با مراجعه بطرز نگارش مواد قانون کیفر همگانی مطلب روشن می شود بدین طریق که ماده ۷ قانون کیفر همگانی مجازات ها را از حیث شدت و ضعف به چهار نوع تقسیم نموده :

جنایت - - جنحه مهم - جنحه کوچک (تقصیر) و خلاف . بنابراین در صورتی که در دادنامه محکومیت کیفر هائی از دو درجه مختلف (مثلا درجه اول و دوم) تعیین شده باشد کیفر درجه بالاتر اجرائی گردد.

در صورتی که کیفر های تعیین شده در دادنامه از یک درجه باشند مثلا کیفر های جنائی یا جنحه فقط باشند باز ترتیبی را که قانون گذار در نگارش کیفر ها در هر ورقه معمول داشته باید رعایت کرد - چنانچه شخصی محکوم بحبس موقت با اعمال شاقه و حبس مجرد گردیده باشد چون در ماده ۸ قانون کیفر حبس موقت با اعمال شاقه مقدم بر حبس مجرد قرار گرفته است لذا حبس موقت با اعمال شاقه که کیفر اشد است در باره محکوم اجرا میشود .

محسن محمودی

اجتماعی بهتر تطبیق می نماید. در این مورد قانونگذار می تواند در تعدد بزه مقدار کیفر ها را محدود کرده و با تعیین حدی مانع از زیاد شدن غیر عادلانه مدت کیفر شود . قوانین کیفری امروزه بیشتر باین سیستم گردیده اند. در مورد کیفر های تریبی و تریلی قوانین جدید اعمال تمام کیفر ها را رد کرده و فقط در مورد کیفر های سبک تر آنرا قبول کرده اند. ولی در هر دو حال با تعیین حدودی برای آن کیفر را عادلانه ساخته اند.

بطور کلی در مورد تعدد حقیقی بزه ها اصل کلی این است که تمام کیفر های تعیین شده برای بزه های ارتکابی در باره محکوم اجرا نشوند ولی در بزه های خلافی این اصل در نظر گرفته نمی شود زیرا کیفر های خلافی (حبس تکدیری و غرامت) بقدری کوچک و بی اهمیت اند که جمع آن با سایر کیفر ها تولید اشکالی نخواهد نمود .

بهر حال موقعی که دو یا چند بزه با یکدیگر جمع شوند که هر دو جنحه و یا جنائی و یا جنحه و جنائی با هم باشند یک کیفر اجرا خواهد شد و آن کیفر اشد است . ولی در صورتی که بزه ها جنحه یا جنائی و خلاف باشند کیفر جنحه و یا جنائی و کیفر خلاف هر دو اجرا خواهد شد .

## بحث در قوانین تجاری انگلستان

-۱۶-

علیه) واقع شده بود عادتاً کالای مطلوب خود را بشخص دیگری بنام (بروکل هارست) سفارش می داده اتفاقاً در مرتبه اخیر که سفارش جان میرسد مصادف با همان روزی می شود که (بروکل هارست) باشگاه خود را

از جمله مواردی که دادگاه انگلیس به ابطال قرار داد رای میدهد هنگامی است که سهو در باره طرف معامله حاصل شده باشد - در یکی از دعاوی متشابه سال (۱۸۵۷) شخصی بنام جان که طرف خواننده (مدعی